

قدرت نرم

در پرسش از داکتر اکرم عثمان

داستان پرداز و گوینده نیکو صدا، جناب داکتر اکرم عثمان، پس از نشر "بازی اپراتیفی در تهرا ن" در عتاب گشته و با فرا روی از حب ذاتی و حب کمال نهادینه در او، با خطاب تند و با هزل و دشنام و استهزا، به خواری و نکو هنده گی ام برخاسته است. اگر آفرینش های پر بهای دیگر او را، بگذارم به کنار، بخاطر داستان "مرد ها را قول است" و "مرد و نامرد" عتاب و سخن هزل آمیخته آن فرهیخته را، ناشنیده میگیرم و بی پاسخ میگذارم. آخر "او سپهر و من کف پا، او کجا و من کجا".

واما پرسش ها

داکتر اکرم عثمان: عزیزى آهسته در گوشم گفت، اسم راستین تو نه خاکستر بلکه واسع عظیمی است

پرسش: چه شق القمر بی مثالی. چرا در پی نام و زیستگاه و گذشته ام؟ مگر تصویر من در بالا و نام و نام خانوادگی من در نشانی برقی ام در پایان نبشتهء "بازی اپراتیفی" به وضاحت تذکر نیابیده است؟ آیا زیر نام "داکتر خاکستر" چهار نبشته، در بخش سیاسی - اجتماعی سایت فردا، که تحت نظر داکتر اکرم عثمان انتشار میابد قرار ندارد؟ داکتر عثمان خود نیز در هفته نامه "پامیر" نشریه کمیته حزبی شهر کابل، با نام مستعار مینوشت و بیشتر از سر ناگزیری، که میدانم و میدانند چرا و آن مدیر سختگیر تن داده بود به آن تا داکتر فرهیخته را به نحوی، همیاری کرده باشد. من اما با اختیار تمام در پهلوی نام خانواده گی، این نام را

برگزیده ام . آیا داکتر گرامی برای ماهنامه "چراغ" در هامبورگ ، به نشانی من نامه نمی فرستادند ؟ و در نهایت ، گیرم بجای خاکستر مینوشتم " کلبی و یا مقصود " در اصل مسله یعنی مدیریت و رونمایی " پروژه بامیان " مگر تفاوتی رخ میداد ؟

داکتر اکرم عثمان :تمام بغض و کین تو علیه این حاجز ،از محتویات رومان "کوچه ما " بر میخیزد

پرسش:مگرمن نبشته ام رومان " کوچه ما " کم ارزش است ؟ حاشا و هرگز . من آن رومان را در سه شب و سه روز ، به اندازه تشنگی دو ماه رمضان با آزمندی تمام خواندم واما نپسندیدم و این کریستوفر ،که آنرا پسندیده است، گزارشگر چاپ کتاب های جدید است در زبان های پارسی و عربی ، نه منتقد است و نه سنجشگر و طبعا پسندش از " کوچه ما " دلیلی بر بهترین بودن نیست و اما بی ارزش هم نیست .

و من نبشته ام که در رمان کوچه ما ،به کی تاخته اید و به کی نپرداخته اید و کدام بت ها را به شکن واداشته اید وکدام ها را از شکن وارهانیده اید . عمود میانگین خیمه یی در آن نبشته نه رومان کوچه ما ، بلکه " پروژه بامیان " است .مگر آن نوشته استوار نیست بر اینکه دولت داکتر نجیب الله با همیاری سفارت افغانستان در تهران و در راس جناب داکتر عثمان ،توانست پروژه بامیان را پیاده کند ؟

داکتر اکرم عثمان :علیرغم حرفه ای بودن تان ،توصیه من به شما ، در کار نویسنده گی از اصالت و صداقت کار بگیریید .تاریخ نویسی بر مدار فکتهای قابل اعتبار و مدارک بی پیرایه می چرخد .نوشته تو یک نوشته التقاطی است .

پرسش :مگر سود بردن از اسناد آرشیف وزارت خارجه و امنیت ملی و نیز گفت و شنود با افراد ذیدخل ، به قصد روشنگری تاریخی ،الزاما به " نوشتهء التقاطی " می انجامد ؟ کار های با ارزش رزاق مامون ،وحید مژده و کند و کاو با ارزش "ماتیاز ولفگنگ " متکی بر اسناد ویکی لیکس در باره افغانستان و گفت و شنود با افراد مرتبط به آن ، کم ارزش اند مگر ؟ به این شیوه کاری به ترجیع " قدرت نرم رسانه ای " نام داده اند ، قدرت فرا دولتی و سازمانی که بی جنگ

افزار ، عمل میکند و ناراستی هارا از راستی ها جدا . نمونه آن ، کار های همین مو طلایی خونسرد استرالیایی ، آسانز است . در " بازی ظریف اپراتیفی " که با منابع گوناگون چفت و بست یابیده است ، آیا منابع اطلاعاتی به روشنی ذکر نگردیده است؟ آیا سند وزارت خارجه ، تایید بلند رتبه گان امنیت دولتی ، افراد داخل سفارت و نامهء جناب ایشان با آن نثر ستره ، کافی نیست؟ آیا میتواند کار روشنگرانه تاریخی به شیوه دگرگونه و غیر از فراهم آوری اسناد ، سامان بیابد؟

داکتر اکرم عثمان : هنگام سفر خانم کریمه کشتمند به تهران ، آقای رفسنجانی با ضیافت شانرداری آن بانو را عزت و حرمت کرد .

پرسش : آیا ریس جمهور رفسنجانی ، با تکیه بر اصول پذیرفته شدهء دینی و دیپلماتیک در جمهوری اسلامی ، میتواندست برای بانو کریمه کشتمند مهمانی با شکوه ترتیب دهد ، هرچند تاکتیکی؟ و آنهم برای خانم یک نخست وزیر؟ و چرا ریس جمهور باید مهمان دار خانم یک نخست وزیر باشد که جایش را به خالقیار داده بود؟ مگر دولتمردان ایران میتوانند با زنها ، با دست باز سلام کنند و یکجا به جلالت و شکوه و طعام و گفتار بپردازند؟ و آیا درست است ، چنانیکه داکتر نوشته است " ببرک کارمل بیگانگان را در اتاق خوابش استقبال " کرده است؟ در شگفتم از این بدعت .

داکتر اکرم عثمان : پروژه بامیان با تمام صغرا و کبرایی که به کار برده اید ، ابتکار من نبود .

پرسش : من در کجا نبشته ام که " پروژه بامیان " ابتکار داکتر عثمان بوده است؟ کافر من بخوانید اگر بگویم . آن پروژه بنا بر پیشنهاد داکتر نجیب الله و تصویب دفتر سیاسی به اجرا گذاشته شد و مسول سفارت در تهران را ، مجری آن برگزیدند . فقط همین و نه بیشتر .

داکتر اکرم عثمان : تمام حب و بغض و کین تو علیه این عاجز ، از محتویات رومان " کوچه ما " بر میخیزد

پرسش : اگر قصد من دگر آزاری بود و طرفم آدمی به ظرافت و ظرفیت داکتر عثمان و من همسایه و خواننده پیگر آثار او ، آیا نمیتوانستم و نمی توانم به جزئیات دگری از مماشات و یا

همراهی و همسویی و مدارای او با سیاستگرانی بپردازم، که " بیگانه را در اتاق خوابشان استقبال کردند " و اما کوشش به منزلت و پایه و قدر داکتر نیکو صدا کردند و او را به سفارت برگماشتند؟ هرچند تنگنای سفارت، کمترین حق او بود، که میتوانم اما، این حجب شرقی تنیده در من، کی میگذارد خط سرخ را عبور کنم؟ بیرون دهی رونوشت گفت و شنود دو دیدار داکتر عثمان با ریس جمهور نجیب الله، کافیس، گستره وابستگی آنزمانی و گسست نمایی اینرمانی را بی پروا، نمایه کند.

داکتر اکرم عثمان: صحنه سازیهای جیمز باندی، تراوش های یک خادیسست دروغ باف می باشد

پرسش: اگر آن " خادیسست دروغ باف " توسل جسته به صحنه سازیهای " جیمز باندی "، پس چرا داکتر عثمان، در آن پاسخ، بر آن صحنه کشید و تبصره نگاشت؟ همان خاد که ریس آن دوست ایشان بود و او را به سفارت گماشت. نگاه کنید: " از وزارت خارجه و وقت دستوری رسید که از توافق دولت کابل به آن پروژه خبر میداد. " و توجه کنید به نامه سری که از نام داکتر عثمان و از سفارت افغانستان در تهران به کابل تگرافی فرستاده شده است و وحید مژده کارمند وزارت خارجه دولت طالبان و محقق سرشناس کنونی از آن در همان زمان کپی برداشته است:

«امروز به تقاضای آقای نجفی مسئول دفتر ویژه افغانستان در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران مذاکرات طویل و با اهمیت داشتم که مراتب را با پوسته سیاسی به اطلاع خواهم رسانید ولی عمده ترین نکات این مذاکره را باتوجه به مبرم بودن آنها به استحضار میرسانم. ۱- آقای نجفی گفت: انکشافات اخیر اوضاع افغانستان ایجاب می کند که ما باید مصر تر وجدیتر به حمایت از حکومت آقای نجیب الله بر خیزیم و بکوشیم که حاکمیت موجود جمهوری افغانستان تداوم پیدا کند و ریشه بگیرد.

۲- ما ارسال کمک های ایران به تمام افغانستان علی الخصوص به مردم کابل گسترش خواهیم داد و در موارد سیاسی تر در آینده به صحبت خواهیم نشست.

۳- از مقامات افغانی خواهشمندیم به منظور جلوگیری از سوء استفاده های تبلیغات عناصر افراطی در پشاور و اسلام آباد بهتر است توسعه مناسبات ما تحت پوشش وزیر پرده بماند و هیچ جانب از آن استفاده تبلیغاتی نبرد.

۴- از آنجائیکه تدارک و ارسال کمک از تهران به مناطق مرکزی و بعداً به کابل پرواز درازمدت را در بر می گیرد تصمیم گرفته ایم آن پروازها از مشهد و باحضور و مشارکت نماینده حلال احمر افغانی چون آقایان محمدعارف و محمد کبیر در تمام پروازها صورت بگیرد. بنا براین آرزو مندیم مقامات افغانی از ابلاغ ساعت قبل پرواز از سوی مقامات ایران بپرهیزند. چنانچه میدانید وضع جوی در مناطق مرکزی افغانستان سخت متغیر است و مطابق تقسیم اوقات ثابت و مقرر نمیتواند پروازها را سازمان داد از این سبب خواهشمندیم جانب افغانی پیوسته چشم انتظار پروازهای امدادی به مناطق مرکزی و کابل باشند. و فرصت مساعدت را که برای امداد به مردم افغانستان خاصاً حکومت مرکزی افغانستان بوجود آمده، به خاطر مسایل صرفاً شکلی و تکنیکی به هدر ندهند.

۵- آقای دکتر ولایتی وزیر خارجه ایران بادرخواست به مقام ولایت فقیه مجوز ارسال کمک به حکومت آقای دکتر نجیب الله را به پیمانہ وسیع دریافت داشته اند و ما پیشنهاد می کنیم که از این فرصت به جانب افغانی بار دیگر به هدر نرود.

۶- حکومت جمهوری اسلامی ایران مصمم است مذاکرات را بامحترم خالقیار صدراعظم جمهوری افغانستان بیاغازد که مراتب سازماندهی و راه اندازی آن به آقای طاهریان کردار سفارت ایران در کابل ابلاغ شده و مشخص شده است.

۷- جمهوری اسلامی ایران مایل است در آینده قریب در عرصه های کاملاً تازه تر سیاسی و اقتصادی با جانب جمهوری افغانستان وارد ملاقات و مذاکره شود که از چگونگی این پروگرام بعداً به اطلاع خواهد رسید.

۸- هیأت مرکب از کمیته امداد امام زیر پوشش هلال احمر ایران عنقریب عازم کابل خواهد شد که تا نیازهای دولت افغانستان و نیاز مردم کابل را از نزدیک بررسی نماید. از مقامات افغانی

خواهشمندیم امکانات مفاهمه ومذاکره آینه را با مقامات ذیدخل افغانی فراهم آورند و از ایجاد تسهیلات دریغ نورزند.

۹- درین مذاکره مراتب نگرانی جمهوری اسلامی ایران از تشکیل بی هنگام ونابخرد(انه) شورای قیادی که اخیراً از سوی شماری از گروه های مستقر در پاکستان ایجاد شده است به من ابلاغ شد وگفته شده هر خطری از هر جناح که حکومت آقای نجیب الله را تهدید نماید جمهوری اسلامی ایران با تمام وسایل با آن مقابله خواهد کرد ونخواهد گذاشت که افراطیون و دشمنان مشترک ما در افغانستان به قدرت برسند. بدینوسیله آرزومندیم در اسرع وقت نظر مقامات وزارت امور خارجه را پیرامون پیشنهادات تازه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به سفارت ابلاغ نمایند.

با احترام دکتور اکرم عثمان

و در پایان :در نبشته " بازی ظریف " آیا میتوانید ،یک واژه ، فقط یک واژه ی به زشتی آلوده ،در برابر داستان پرداز و گوینده ی نیکو صدای من بیابید ؟ هرگز نه .

اما بر چسپ و ملصق " خادی " را بر نتابیدم و ویران گشتم از آن فتوا . ناگزیر به یادآوری ام ، پس از اتمام دانشکده طب ، در سال سیزده شصت و هشت ،گاهیکه آتش جنگ بیداد میکرد ،بی فاصله زمانی پیشاور را برای اقامت برگزیدم و در بیمارستان آلمانی " مرکز تداوی امراض روانی برای مهاجران افغان " که ریاست آنرا داکتر اعظم دادفر ، بعد ها وزیر تحصیلات عالی درکابینه کرزی ،عهدہ دار بود ،به کارپرداختم و یکسال بعد تر ۱۹۸۹ ترسایی در آلمان پناه گزین گشتم ،گاهیکه جناب داکتر عثمان مسند سفارت داشتند و فرماندار او توانست سه سال دیگر ،حکومت کند. و دگر اینکه ، آیا فاکولته طب آمر امنیت داشت ؟ و اگر داشت و من گیرم به آن سمت والا گماشته شده بودم ، آیا میتوانستم همزمان در پیشاور پاکستان در زیر سایه ء تنظیم ها ، طبابت کنم و در کابل آمر امنیت باشم ؟ من و نیز داکتر گرامی ، با نیکو مرتبان بسیاری از وزارت امنیت دولتی ، دوست بودیم و هستیم ،که نه جای انکار است و نه مفری برای

گریز . و نیز نبشته است که درد مشترک دارم با آنانیکه ،از دولت بر افتادند .آیامن که در فردای فراغت ، پیشاور نشین گشتم و هیچگاهی در هیچ سمتی،مجری برنامه های دولت نبوده ام ،چرا غبطه به چوکی ای بخورم که هرگز نداشته ام ؟ من نه سفیر بودم ،نه حتا کاتب دایره ی شهرداری . آیا تحکم و به تحقیر وادشتن از آن فراز بر این فرود ،شایسته اوست ؟ و آیا در توانم نیست که مقابله به مثل کنم؟ نگاه کنید به این نمونه بی بدیل نثر : خاکستر چوب ارچه ،خاکستر بوره اره ، خاکستر استخوان مرده . و یا :از قضیه پرت هستی و چیز های به زبان ویتنامی نوشته یی . و یا :چه بهتر که بجای خاکستر بودن ،آتش شدن را مشق و تمرین کنید .و یا :کارمند میان رتبه امنیت دولتی بودی و امر امنیت فاکولته طب ،ببین که چه زود به دام افتادی . و یا :اگر جن میشدی با یک بسم الله حضرت مینمودم و منترت را باطل مینمودم . "

به پنداشت من ،این خشم و تندی ریشه در رو کردن پروژه بامیان دارد و زبان لطیف داکتر را نشاید که به این بی صرفه پنداشت ،بپردازد .و درانجام ، منی دشنام کشیده ،با کمال خضوع و خشوع و تذلل ، معترفم که در برابر سطوات انوار آن پاسخ فاخر ، در عجزم .آنچه نگاشتم و خواندید از سر ناگزیری بود و به قصد روشننگری بیشتر . واما توصیه جناب داکتر را به جان میخرم که به واقعیت تمکین کنم واما مشروط به آنکه ، مناهی و مباح برای همه یکسان باشد نه فقط برای من .

azimiwassi@yahoo.de

Hamburg

یادآوری : نوشته ء " داکتر اکرم عثمان و بازی ظریف اپراتیفی " در سایت پیام نهضت و افغان جرمن نشر یابید و نوشته ء "پاسخی به آقای داکتر خاکستر " در سایت افغان جرمن .واما سایت مذکور ضمن یک مایل تذکر به گذاشتن این نبشته در بحش "تحلیل ها " کرد ،که آنرا نیابیدم و نمی دانم چرا .

www.roshanak.nl